

## جنبش مدنی و اصلاح طلبانه مردم ایران

جامعه استبداد زده ای که با عکس العمل های انفجاری خود به باز تولید استبداد می پرداخت تجربه گرانمایی را از سر میگذراند. جنبش مدنی مردم ایران که اکنون در شکل جنبش اصلاح طلبانه بر آمدن نموده است ریشه در نیازهای جامعه به تحولات بنیادین و پیامد دگرگونی در ساخت اجتماعی است که نشأت گرفته از مطالبات مردم بویژه اقشار مدرن جامعه است. هدف این جنبش قبل از آنکه نفی باشد ایجاب، یعنی استقرار مردمسالاری، بر قراری آزادی و تامین عدالت اجتماعی است. در این رهگذر، هر آنکس و نیرویی که به این خواست بر حق مردم پاسخ نگوید و مستبدانه در مقابل آن بایستد از سوی مردم و همه نیروهای ازادخواه منزوی و طرد خواهد شد. خصلت این جنبش مسالمت آمیز، گفتمان ان اصلاح طلبانه و قانون گرایانه و نفی استبداد است. اکثریت مردم مانیروی این جنبش اند. نقش روشنفکران، روزنامه نگاران، جوانان، دانشجویان، زنان، چشمگیر و بارز است. ما خود را متعلق به این جنبش دانسته و در تقویت آن می کوشیم. این جنبش با آنکه به اهداف خود دست نیا فته ولی در سالهای اخیر به دستاوردهای قابل توجهی نایل آمده است. دگرگونی در گفتمان سیاسی، ارتقای آگاهی سیاسی؛ تقویت گرایش مردم سالاری؛ ارتقای آگاهی مردم از حقوق شهروندی از آن جمله اند.

### وضعیت اصلاحات

اصلاحات و جنبش اصلاح طلبی از دوم خرداد به این سوقیترین و گسترده ترین گرایش سیاسی اجتماعی در کشور ما است. نتایج انتخابات ۸۰ نیز نشان داد که این جنبش همچنان از پایگاه وسیعی برخوردار است. جوانان، دانشجویان، زنان، روزنامه نگاران و روشنفکران نیروی محرکه آن بوده اند.

جنبش اصلاح طلبی طیف بسیار وسیعی از نیروهای سیاسی اجتماعی را در بر می گیرد که بخشی از آن اصلاح طلبان حکومتیند. بخش عظیمی از نیروهای اصلاح طلب خارج از حکومت قرار دارند که گرچه به لحاظ کمی و کیفی قابل توجه اند ولی به دلیل سرکوب پراکندگی و نبود یک استراتژی هماهنگ از انچنان نقش و وزنی در صحنه سیاسی کشور برخوردار نیستند. هنوز چالش اصلی بین اصلاح طلبان حکومتی و محافظه کاران است.

محافظه کاران پس از یک دوره سرگردانی به انسجام خود پرداخته و تحت رهبری بخش مصلحت گرایان و با استفاده از اهرم فشار بخش افراطی؛ باتکیه بر قوانین غیردمکراتیک و یا استفاده از قوانین؛ از طریق ارگانهای انتصابی ویا مرتبط به ولی فقیه همچون شورای نگهبان؛ قوه قضاییه؛ نیروهای انتظامی و حمایت همه جانبه ولی فقیه؛ بر فشارهای خود بر اصلاح طلبان افزوده اند.

چنین به نظر میرسد که محافظه کاران تصمیم گرفته اند با سرکوب گرایش رادیکال اصلاح طلبان؛ خنثا نمودن گرایش معتدل و جذب گرایش محافظه کار؛ وضعیت را به حالت قبل از ۲ خرداد ۷۶ بازگردانده و در بهترین حالت خود «اصلاحات فقهاتی» بدون توسعه سیاسی را پیش برند.

از سوی دیگر اصلاح طلبان حکومتی با در پیش گرفتن استراتژی آرامش فعال؛ به عامل فشار از پایین و تشکیل و تقویت نهادهای دمکراتیک بهای لازم را ندادند؛ لذا چالش با محافظه کاران در محدوده تنگ ساختار سیاسی؛ جایی که تمامیت خواهان با اتکا به امکانات خود قدرت مانور بیشتری داشتند باقی ماند.

واقعیت اما آن است که سرنوشت اصلاحات در میان مردم رقم می خورد. کانون و تکیه گاه اصلی اصلاحات جنبش های مردمی مبتنی بر نهادهای مدنی؛ روزنامه نگاران، دانشجویان؛ احزاب و سازمانهای سیاسی غیرحکومتی هستند. امری که توجه اکید به آن برای نجات اصلاحات ضروری است.

اکنون چالش دیرپای بین مردم سالاری؛ جمهور مردم؛ با ساختار مبتنی بر تعیین کننده بودن نهادهای انتصابی و مقام غیر انتخابی ولی فقیه هر چه عمیق تر شده است. اصلاحات بایستی

از همه ظرفیتهای خود برای تامین اراده مردم یعنی حاکمیت جمهور بهره گیرد .  
ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه سد تداوم و تعمیق اصلاحات شده است . تمامیت خواهان به رهبری ولی فقیه به طرق مختلف از جمله استفاده ابزاری از قانون و تقایص آن ؛ راههای قانونی اصلاحات را سد می کنند . مردم به تجربه دریافته اند که دولت و مجلس منتخب آنها زیر فشار فزاینده محافظه کاران ناکارآمد می گردد .  
اصلاح طلبان حکومتی خود از نداشتن ستاد رهبری ، استراتژی کارآمد همراه با تردیها؛ تزلزل ها و ناتواناییها رنج میبرند . این همه به باور مردم نسبت به آنان ضربه وارد آورده است .  
اگر گشایشی در روند اصلاحات به وقوع نپیوندد این احتمال قوی است که مردم راههای دیگر را تجربه کنند و آن فرصت تاریخی که برای تحقق اصلاحات در جامعه پدید آمده است از دست برود .

## خروج از تنگنا، پیشبرد اصلاحات

\* راه پیشروی اصلاحات تغییر توازن قوای موجود به سود اصلاح طلبان و به زیان تمامیت خواهان و با تاکید بر دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه است .  
تحقق این امر در درجه اول محتاج تدوین استراتژی اصلاحات ، مقاومت سازمان یافته در برابر تهاجمات تمامیت گرایان ، اطلاع رسانی و برقراری پیوندهای محکمتر با مردم و تکیه بر سازماندهی و بسیج اصلاحات در جامعه و فرارویاندن آن به مرحله ای پیشتر است .  
ضرورت دارد که راههای مختلف مشارکت مردم ، فراخوان آنها برای اعمال اراده و خنثی نمودن خشونت طلبی و استفاده ابزاری از قانون توسط تمامیت خواهان جستجو شود . از آن میان فرآیند یکی از این شیوه ها است .  
اخیراً بخشی از اصلاح طلبان استراتژی بازدارندگی فعال را مطرح نموده اند که هنوز جوانب و تفاوتهای کاربردی آن با استراتژی آرامش فعال دقیقاً روشن نیست ولی این امیدواری هست که اصلاح طلبان حکومتی با جمع بندی تجارب گذشته در عرصه مسایل نظری و عملی و نایل آمدن به آن که برای پیشبرد اصلاحات تغییرات عمیق دموکراتیک در ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه ضروری است ، راهکارهای مؤثر ارائه نمایند .  
\* ضروری است که قاطعیت و پیگیری در پیشبرد اصلاحات از سوی مجلس و رییس جمهور خاتمی نمایانتر گردد و با اقدامات کارساز اصلاحات از رکود نجات یابد .  
ابزار اصلاحات و اصلاح طلبان در این دوره سرنوشت ساز مقاومت ، سازماندهی و تکیه بر نیروی مردم است .  
\* گسترش تماس و هماهنگی بین اصلاح طلبان خارج حکومت را در جهت تقویت اصلاحات پیگیر و قاطع است هم اهنگی مبارزه مشترک میان اصلاح طلبان خارج حکومت و درون حکومت از ملزومات سازماندهی مردم در مقابله با تمامیت خواهان است . مابه سهم خود در این راه تلاش می کنیم .  
\* سیاست ما تقویت جبهه اصلاحات و تلاش در به ثمر رسیدن اقدامات کارساز و قاطعی است که خواهان گسترش حضور هر چه بیشتر مردم ، تحکیم نهادهای انتخابی و بی اثر کردن و حذف نهادهای انتصابی است .  
\* ما ضمن تکرار مخالفت اصولی خود با حذف فیزیکی مخالفان ، بر طرد نیروهای افراطی و خشونت طلب و انحلال باندهای جنایت کار تاکید ویژه داریم . ماسیاستهای ضد اصلاحات تمامیت خواهان را افشا خواهیم نمود .  
\* موضع ما نقد اصولی ؛ صریح و خیر خواهانه مواضع اصلاح طلبان حکومتی و در جهت تقویت اصلاحات است .  
\* ما قاطعانه از موازین دموکراتیک ، حقوق سیاسی و اجتماعی و فردی شهروندان و حق آنها برای مقاومت و نافرمانی مدنی دفاع میکنیم . مطبوعات آزاد و مستقل ، روزنامه نگاران آزادی خواه، آزادی گروههای دانشجویی ، استقلال تشکل های آنها ، جنبشهای کارگری و تشکل های مستقل آنها ضامن پیشبرد دموکراسی پایدار در کشور ماست . تامین حق فعالیت آزاد و قانونی احزاب سیاسی در کشور ما ( که از فقدان سنت های دموکراسی حزبی در تاریخ معاصرش رنج میبرد ) اهمیت کلیدی در این روند دارد .  
\* دفاع از حقوق زنان ایرانی و در قدم نخستین حذف قوانین زن ستیز و به رسمیت شناختن تشکلهای مستقل زنان، پاسخ به نیاز نیمی از جمعیت کشور و در راستای بسیج پتانسیل عظیمی در راه پیشبرد اصلاحات است .  
\* دفاع از حقوق حقه اقلیت های ملی و مذهبی در ایران ، دموکراسی در کشور را پایدار میکند . تامین خواستههای سیاسی، اقتصادی ، فرهنگی و اداری اقلیت های ملی و مذهبی نیاز مبرم برای تامین مشارکت تمامی مردم ایران در راه باز سازی دموکراتیک ایران است .

## راه کارها

راه برون رفت اصلاحات از شرایط رکود کنونی مستلزم بازنگری در قانون اساسی و تغییر قوانین متکی بر نهادهای انتصابی و درهماهنگی با سایر عرصه هاست . دراین راستا

### الف \_

- ۱ . لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان ، انحلال نهادهای گزینشی ( مثل دادگاه ویژه روحانیت ، دادگاههای انقلاب ۰۰۰ ) ، تامین مشارکت برابر حقوق همه شهروندان در حیات سیاسی کشور ضروری است .
- ۲ . قوه قضاییه و قضات باید مستقل باشند . استفاده ابزاری جناح سیاسی معینی از این قوه برای پیشبرد مقاصد تنگ نظرانه باید پایان یابد .
- ۳ . قوانین ناقض حقوق بشر در قانون اساسی باید باز نگری شود . قانون انتخابات باید در راستای تامین رای واقعی مردم باز نویسی شود . در این راستا ضرور است که ،

### ب \_

- ۱ . از مطبوعات رفع توقیف و سانسور شود . آزادی بیان ، قلم و مطبوعات ، اجتماعات و تظاهرات تامین شود .
- ۲ . حق داشتن وکیل مدافع و هیات منصفه تامین گردد .
- ۳ . حق فعالیت احزاب سیاسی و تامین شعار ایران برای همه ایرانیان جامه عمل بپوشد .
- ۴ . شکنجه جسمی و روانی ، سنگسار قصاص و مجازات اعدام لغو گردد .
- ۵ . قوانین ناعادلانه و زن ستیز به عنوان خواست مقدم زنان باید تغییر یابد .
- ۶ . جوانان ایرانی باید بتوانند تشکل های مدافع حقوق شان را در مدارس ، دانشگاهها داشته باشند . آنها باید بتوانند در گروههای ورزشی آزادانه جمع شوند . نیروهای فشار نباید با ارباب و زور ، احساسات جوانان را سرکوب نمایند .
- ۷ . اقلیت های ملی و مذهبی ایران باید بتوانند بدون مانع در ساختن ایران آزاد مشارکت کنند .

### ج\_ در عرصه بین المللی ،

- ۱ . پی ریزی سیاست خارجی فعال بر اساس منافع ملی . پیروی از سیاست مسالمت آمیز ، تلاش برای ایجاد مناسبات دوستانه و برابر حقوق با همه کشورهای جهان و بویژه کشورهای منطقه .
- ۲ . محکوم کردن تروریسم و فاصله گرفتن از جریانهای افراطی بنیاد گرا .
- ۳ . دفاع از دولت فلسطین ، عدم مخالفت با موجودیت کشور اسرائیل .
- ۴ . برقراری مناسبات نزدیک با کشورهای اروپایی و مذاکره مستقیم برای عادی سازی مناسبات برابر حقوق با ایالات متحده امریکا .
- ۵ . حمایت از دولت فرا گیر در افغانستان ، تحت نظارت سازمان ملل متحد .

### د \_ در زمینه مسایل اقتصادی .

- ما خواهان چنان برنامه اقتصادی هستیم که بهسازی زندگی مردم و تامین عدالت اجتماعی را مد نظر دارد .
- ۱ . موانع سیاسی و حقوقی که امنیت سرمایه گذاری داخلی و خارجی را در کشور مختل میکنند باید از میان برداشته شوند . گسترش سرمایه گذاری کلید رشد اقتصاد بیمار ایران است .
  - ۲ . بنیاد مستضعفان و دیگر بنیادهای مشابه باید زیر نظارت کامل دولت و مجلس در آیند . این موسسات باید نظیر سایر دستگاههای اقتصادی شامل قوانین مالیاتی کشور باشند .
  - ۳ . نهادهای اداری موازی باید در هم ادغام شوند . نهادهای زاید و هزینه ساز باید منحل گردند .
  - ۴ . رشوه خواری و رانت خواری اقتصادی خوره بزرگی برای اقتصاد ایران است . راه مبارزه با این امر در وهله نخست شفافیت بخشیدن به مقررات اداری در عرصه اقتصادی و سپس تامین زندگی در سطح قابل قبول برای مامورین ادارات کشور است . در درجه بعدی باید نهادهای کنترل بر چگونگی پیشبرد این قوانین نظارت کامل داشته باشند . و در پایان باید بسیج سراسری علیه فساد

اداری، رشوه خواری و رانت خواری در کشور اعلام شود.

۵. تامین امنیت سرمایه گذاری ، سرمایه گذاری دراز مدت را تشویق میکند و سرمایه ها را از بخش دلالی و بازرگانی و سرمایه های سرگردان را به بخش تولیدی، صنعت و ساختمان هدایت خواهد کرد.

۶. بدون سرمایه گذاری گسترده دولتی در امر پژوهش های اقتصادی و تکنولوژیک ، امر تامین اقتصاد مستقل و شکوفان در ایران ممکن نیست. پژوهش در دانشگاه های ایران در رابطه نزدیک با بنگاه های اقتصادی ، پروژه های دراز مدت رشد اقتصادی را تامین خواهد کرد.

۷. ما به لحاظ نیروی انسانی تحصیل کرده و کارآمد کمبودی نداریم اما سخن بر سر حفظ این نیروها (که موتور واقعی رشد اقتصادی هستند ) در داخل کشور است . بسیاری از اینان به دلایل اجتماعی و سیاسی ایران را به مقصد کشورهای غربی ترک میکنند . جلب مشارکت ایرانیان علاقمند و تحصیل کرده و صاحب سرمایه در خارج کشور بخش دیگری از این برنامه رشد اقتصاد ایران است.

۸. اهرم های مالیاتی ، باید در باز تقسیم ثروت ملی مورد استفاده قرار گیرند . بودجه گذاری و سوسید برای کالاهای اسای مورد نیاز اقشار کم درآمد کشور باید در راستای افزایش قدرت خرید این اقشار بهره گیری شود . بیمه های اجتماعی ، بیمه های بهداشت و درمان و صندوق های باز نشستگی که همه افراد جامعه را در بر میگیرد باید از سوی دولت در راستای تامین زندگی بی دغدغه و به دور از فقر شهروندان ایرانی تامین شود .

۹. تشویق سرمایه گذاری در بخش خصوصی و گسترش سرمایه گذاری دولتی در بخش های زیر بنایی و بهداشت ، درمان و آموزش در راستای مبارزه با بیکاری امر میرم اقتصادی در ایران است .

۱۰. دستمزد کارگران ، کارمندان دولت و باز نشستگان باید به نسبت میزان تورم سالانه افزایش یابد .

۱۱. کمک های اقتصادی به گروه های افراطی در خارج ایران باید بلا درنگ قطع شوند . هر گونه کمک های بشر دوستانه به کشورهای دیگر باید زیر نظارت مجلس و با اطلاع مردم باشد .

یادآوری : \* با توجه به شرایط حاد سیاسی در کشور امکان تغییرات در سند منتفی نیست .

\*این سند برای ارایه به تشکیلات جهت بحث، تبادل نظر و تکمیل است .

**حجت** دی ماه ۸۰ ، دسامبر ۲۰۰۱